

در فتح آباد او کرده است و آنجا اوزار کوهان بخارا در
انتهای شهر و سبزه خانه بوده است و وفات او در کشته
و نخلین و سبزه خانه بوده است و در حوزة تربت او تربت
فرزند آن اوست و خواند برمان الدین شمشیر و ربع
الدین شیخ داوود رحیم الله و در حوزة شمال فتح آباد
مقبور است و از زمان است و اکثر مجاب شیخ که سالکان
راه مجتهد و معتقدان زاویه بغداد و حرمان حرم و فنا
و صوفیان صفت صفا بوده اند اینجا انداخته شود سپس
الدین کلان و شمس الدین خود و سید الدین خوارزمی و غیره
روزی که قوای در مجلس جماعت این بیت گفت **بیت**
گفتم از بی غیرت گفتم از هم جواب من ترا فرقتی
الدین و مات علی مکان رحمه الله و چون از فتح آباد
شهر روند در میان راهجویی مراد نور الفیقه الاشته
مولانا جلال الدین است رحمه الله که مدت مدید در
مقام مجتهد و ریاضت مجاور و حاد و روضه مطهره

مقدسه شیخ بود قدس الله کار و وجه و چون ازین راه
بشهر رسید بر کنار شهر سجدت تعابت بهتر که
بسیار از اولیا نقل میکنند که در آن سجدت با حضرت
حزیم حضرت علیه السلام ملاقات شده است و صحبت
و ایستاده و در حوزة مشرفی این سجدت موسی در
مطهره اولی الامر حضرت قوطب رحمه الله و در آن
هر که نبوغ زبان بزرگ سخنان و کرامات و خوار
عادت لعل کرده اند و حوزة ایشان در آن حلقه
بسیارند و **مقبور علی صدر** در حوزة الله و حوزة
شرفی این تل بر کناره در مقامه جنس در وازه کلان
که بجانب مجتهد میروند خطبه شیخ امام محمد صاحب
و اکرامت ابو شعیب صاحب بن محمد بن صالح السخاری است
که شاکر و حرم ابو بکر سعادت رحمه الله و استخوان
لانا شمس الدین علامه دار جماعت و سر تربت او است
جای احابت و عادت و حلق را بسیار کار کرده است